



گفت و گویی

با

پروفیسور

یان یرِیہ

اسلام شناسی

سوئدی

مہر ۱۳۷۶ سوئد

م - شمس

با تعیین وقت قبلی وارد دفتر کارش در دانشگاه لوند^۲ می شوم، نخستین چیزی که نظرم را جلب می کند، کتبی است که در قفسه ها می بینم، در اینجا تعدادی از آن کتاب ها را که به طور قطع همه ما با آنها آشنایی داریم نام می برم:

شرایع الاسلام: محقق حلی؛
المیزان: علامه طباطبائی، ۲۰ جلد
عربی؛ بحار الانوار: علامه مجلسی،
بیش از ۱۰۰ جلد عربی؛ اقتصادنا:
آیت الله صدر؛ فلسفتنا: آیت الله
صدر؛ الحیاء: استاد حکیمی؛ عبدالله بن
سبأ: علامه عسکری؛ سیره ابن هشام؛
نهج البلاغه و....

همچنین قابِ خاتمی با نقش (الله،

محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) و دو جانماز نیز به چشم می خورد.

پروفیسور یان یرپه، تحصیلات آکادمیک خود را در دانشگاه اِپسالا^۳ آغاز کرد و در سال ۱۹۶۵، لیسانس الهیات و ۱۹۶۷، لیسانس تاریخ ادیان و زبانهای سامی گرفت. دو سال در ستراسبورگ تحصیل کرد و سال ۱۹۷۲، از دانشگاه اِپسالا، به اخذ درجه دکترای تاریخ ادیان نایل آمد. از همان سال تا ۱۹۷۶ در دانشگاههای اِپسالا، اُمئو^۴ و آکادمی اُبو^۵ در فنلاند به تدریس اشتغال داشت و سپس در لوند به تحقیقات اسلام شناسی پرداخت، آن گاه به عنوان مشاور وزارت امور خارجه در امور خاورمیانه نیز برگزیده شد و از ۱۹۸۴، به عنوان اسلام شناس در انستیتو الهیات دانشگاه لوند، به تحقیق و تدریس اشتغال دارد. تاکنون کتبی به زبانهای فرانسه و سوئدی تألیف کرده است و بیش از ۳۰۰ مقاله، به زبان های سوئدی و انگلیسی از وی منتشر شده است، از جمله کتاب های ایشان، اسلام سیاسی، جهان اسلام، عربها و عربیسم است.

پروفیسور یان یرپه، عضو آکادمی سلطنتی دانشوران، انجمن سلطنتی ادباء لوند و عضو هیأت مدیره انستیتو پژوهش سوئدی در استانبول نیز می باشد.

بیانات: چگونه با اسلام و قرآن آشنا شدید؟

پروفیسور یان یرپه: آشنایی من با اسلام از چند طریق صورت گرفت: زمانی که خیلی جوان بودم، به کتبی درباره تصوف برخوردیم و از آنجایی که آن دوران در دانشگاه اِپسالا در رشته تاریخ ادیان درس می خواندم می بایست مطالعات خود را متمرکز به یک موضوع کرده و این در حالی بود که زبانهای سامی را نیز می خواندم، لذا تقریباً طبیعی بود که تمرکز بر روی یک مذهب خاص باشد که بعداً بکار آید. همچنین استاد ما پروفیسور گئو ویدن گرن^۶، به دانشجویان توصیه می کرد هر کدام در رشته

مخصوصی به تحقیق بپردازیم، لذا من هم با توجه به آشناییم با تصوف، پژوهش درباره اسلام را برگزیدم.

بینات: شما بیشتر تحت تأثیر کدامیک از اساتید خود بوده اید؟

پروفسور یان یرپه: دو تن از اساتید من تأثیر بسزایی بر من داشته اند: یکی گنو ویدن گرن که سال گذشته درگذشت و متخصص ادیان باستان، مخصوصاً دین زرتشت و گنوستی سیزم بود. دیگری که هنوز در قید حیات است و من زبان های سامی را نزد وی آموختم، او نیز زیاد علاقه مند به فلسفه اسلام بود.

بینات: به عنوان یک غربی نظر شما درباره قرآن چیست؟

پروفسور یان یرپه: بدیهی است که اساس مطالعه و تحقیقات ما در دانشگاه جنبه سکولر دارد، لذا هنگامی که درباره قرآن به تحقیق می پردازیم، به آن به عنوان یک سند غیر الهی می نگریم اما آشکار است که عقیده شخصی من چیز دیگری است. به عنوان مثال چگونه می توان تأثیر عمیق قالب ادبی قرآن بر انسان را نادیده گرفت، از طرفی هنگامی که می بینیم که این کتاب چه اهمیتی برای انسانها دارد، خودبخود به فکر فرو می رویم. کتابی که واژگان و زبانی متداول و پر دامنه، دارای صرف قوی خلق کرده که نمی توان نسبت به آن بی تفاوت بود.

بینات: تقریباً تمام کتابهایی که در دفتر کارتان دیده می شود شیعی است، از جمله: بحار الانوار، کتب آیت الله صدر و بالاخره تفسیر المیزان علامه طباطبائی. خود من افتخار داشته ام چندین بار ایشان را ملاقات کنم و با ایشان مکاتبه داشته باشم اگر نگویم که در فروتنی بی نظیر بود، به طور قطع کم نظیر بود. آن بزرگوار نه تنها مفسر قرآن بلکه فیلسوف و شاعر نیز بود و به تعبیر یکی از متفکران، علامه

«کوهِ علم» بود و عظمت وی نیز در تفسیرش کاملاً
 هویداست و بحق تفسیرش را تفسیر قرن خوانده اند نظر
 شما در این باره چیست؟

پروفیسور یان یرپه: در اروپا، علامه به طور کلی از طریق سید حسین نصر معرفی
 شد و این معرفی و شناخت بیشتر مربوط می شود به مطالعات وی درباره روحانیت و
 معنویت تشیع و علت تمایل ما به تهیه تفسیر المیزان این است که المیزان خلاصه سنت
 شیعی است و با توجه به اینکه ما قبلاً بیشتر توجه به تسنن و تفاسیر آنها داشته ایم
 ضرورت چنین تفسیری احساس شد.

علامه معرف یک نوع مدرنیسم است. بدین معنی که او تلاش می کند سنگینی بارِ
 سنت طولانی گذشته را پشت سر گذاشته و نص را با نص تفسیر نماید یعنی قرآن را با
 قرآن تفسیر کرد. بلی این پیر متأله است که می تواند همه چیز را خلاصه کند. مسلماً او
 یکی از بزرگان بود و این امر در نظر اهل معرفت پنهان نیست.

بیانات: تاویل از واژه های کلیدی قرآن و لغتاً از ریشه
 «أول»، به معنای بازگشت است و اصطلاحاً در مترادف و تا
 حدودی در تقابل با «تفسیر»؛ و «تنزیل» نیز به شکلی ربط و
 تقابل دارد و فرقی با تفسیر را چنین گفته اند که تفسیر ناظر
 به لفظ و الفاظ است، اما تاویل ناظر به ساختمان جمله و
 نحوه تعبیر است، و برداشت برادران اهل سنت از تاویل با
 برداشتی که شیعیان دارند متفاوت است. نظر شما چیست؟

پروفیسور یان یرپه: می توان بجای اختلاف نظر شیعیان و سنیها درباره روابط آنها
 نیز صحبت کرد. تاویل، به عبارت دیگر آنچه که ما می توانیم آن را تفسیر تمثیلی قرآن
 بنامیم، موضوعی است که گروهی بدان پایبندند و در مقابل آن گروهی دیگر هستند که
 نص صریح را بدون هیچ گونه قاعده ای پذیرفته اند.

اما حقیقت این است که هر آنچه که به طور روزانه اتفاق می افتد، به معنای چیز
 جدیدی نیست که الزاماً آن را منطبق به نص کنیم. باید آن را از نقطه نظر دیگر دید، زیرا

که مفهوم و کاربرد جدیدی خواهد یافت که قبل از آن، فاقد آن بوده است. لذا می توان از جهات مختلف سخن گفت که در حقیقت نمی بایست وجود داشته باشد. بدین گونه فرق گذاشته می شود بین نص و محتوا.

از طرف دیگر تفاوت دیدگاه‌ها درباره تأویل در وحله اول جنبه فلسفی دارد، به عنوان مثال برای «ابن رشد» فیلسوف، جمع و پیوند متن با تفکر فلسفی امری ضروری است، بنابراین باید رشته‌ای بین آنها باشد و آن تأویل است. و از آنجایی که قبل از هر چیزی در میان سنییان فلاسفه، مترود بودند، آنها نیز «ابن رشد» را رد کردند و انتقاد «غزالی» از «ابن رشد» از این مقوله و به معنای این است که تفکر فلسفی او، قابل پذیرش نبود.

بینات: غالباً در غرب مخصوصاً بین مستشرقین، نقش شیعیان در پیدایش و تکامل علوم قرآنی به علت در اقلیت بودن آنها و یا انگیزه دیگر نادیده گرفته شده، شما این امر را چگونه ارزیابی می کنید؟

پروفسور یان یرپه: من تصور نمی کنم که این امر ارتباطی به در اقلیت بودن آنها داشته باشد و باید از جنبه های مختلف این موضوع را مورد بررسی قرار داد. از جمله جنبه جغرافیایی این امر است، زیرا خاورشناسی در قرن هفدهم توسعه یافت و در خدمت نیروهای استعماری قرار گرفت. این امر بدین معنی است که خاورشناسی فرانسوی، هلندی و انگلیسی در مناطق غیر شیعی راه یافت. نمونه دیگر خاورشناسی در اندونزی که سنت شافعی بر آن حاکم بود و یا شمال آفریقا و یا حتی خاورشناسی آلمانی در امپراطوری عثمانی نفوذ کرد.

البته شرق شناسی روسی، به مناطق شیعه نشین تمایل نشان داد اما این امر، به دست فراموشی سپرده شد. باید عرض کنم که استاد من گنو ویدن گرن، به من سفارش کرد که بیشتر به تحقیق و مطالعه مکتب تشیع توجه نمایم، زیرا ایشان معتقد بود که این مکتب کم تر مورد توجه قرار گرفته است؛ و باید اعتراف کنم که در این امر کوتاهی کرده ام.

بیانات: با توجه به اینکه در شیعه باب اجتهاد مسدود نیست و نقش زمان و مکان در اجتهاد، در مسائلی مانند: مجسمه سازی به عنوان یک فن و هنر، حصر توالد و تناسل، خرید و فروش آلات شطرنج جهت تقویت بنیه ریاضی و یا سرگرمی و بدون برد و باخت، تشریح جسد مرده و... غیر قابل انکار است و این دلیلی بر غنای فقه شیعه است. نظر شما در این باره به عنوان یک اسلام شناس چیست؟

پروفیسور یان یرپہ: من این امر را قبول دارم و به عنوان یک واقعیت به آن نگاه می‌کنم و جهت تایید قول شما نمونه‌ای را که در همین سوئد، شاهد بوده‌ام، نقل می‌کنم.

ورود اولین گروه شیعه به سوئد، در سال ۱۹۷۲ رخ داد که از اوگاندا آمده و در شهر ترولہتان^۷ مستقر شدند. این نخستین تماس نزدیک سوئدیه با شیعیان بود. یک سال بعد یکی از شیعیان درگذشت، آنها می‌خواستند طبق قانون اسلام، فرد مذکور را بدون تابوت دفن کنند، اما این امر با مخالفت مقامات سوئدی روبرو شد، زیرا در سوئد دفن اجساد بدون تابوت ممنوع بود. شیعیان که با مشکل بزرگی روبرو شده بودند جهت کسب تکلیف با حضرت آیت الله خوئی در نجف تماس گرفتند. ایشان نیز فتوا دادند که دفن شخص مورد نظر با تابوت مجاز است. لذا این جانب خود شاهد پویایی و نقش زمان و مکان در اجتهاد بوده‌ام.

بگذارید در رابطه با تشیع موضوع دیگری را که خود نیز شاهد بوده‌ام عنوان کنم. بارها به مصر مسافرت کرده‌ام و آخرین بار بهار امسال بود. آنچه را که در سفرهای اخیر خود احساس کرده‌ام گرایش مردم عادی مصر به تشیع است، به عبارت دیگر من در میان مردم عادی مصر یک گرایش قوی شیعی می‌بینم. الازهر و مساجد عظیم قاهره را در نظر آورید، اما تنها حسینیه کوچک شیعیان است که در آن شور و احساس دیده می‌شود. زیرا که فریاد «کل الناس یحبون الحسین»، «حسین، حسین، حسینا» در درون و بیرون حسینیه طنین انداز است. این شور و احساس تنها در میان شیعیان دیده می‌شود.

بینات: ایرانیان در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی، تفسیر و علوم قرآنی نقش بسزایی داشته اند، به گونه ای که مثلاً ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد که اصلاً ایرانی است، مؤسس حقیقی علم نحو عربی و مبتکر علم عروض و دانشمند لغت است که در سال ۱۶۰ یا ۱۷۰ وفات یافت و نخستین کسی است که همزه، تشدید و... را وضع کرد. و یا ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان سجستانی (سیستانی) که رساله ای درباره رسم الخط قرآن نوشت و یا ده ها نفر دیگر، اما در نوشته های غربی، یا اصلاً از آنان سخنی در میان نیست و یا اینکه تنها از آنان نام برده شده، علت این امر را شما در چه می بینید؟

پروفسور یان یرپه: به طور قطع، یکی از علل این بی مهری این است که ایرانیها کتب خود را به زبان عربی نوشتند و این امر باعث گردید که آنها عرب به حساب آیند نه ایرانی. حتی نام های آنها عربی است. ببینید ابن مقفع، به عربی نوشت، غزالی نیز به عنوان عرب محسوب گردید و دیگران نیز، و این یک فاجعه است. اما من از استادان این را فراگرفتم که این ایرانیها بودند که دستور زبان عربی را خلق کردند. این در حالی است که همه از این امر اطلاع ندارند. استاد ما به ما آموخت، هنگامی که در متن عربی به واژه ای برخوردید که دارای چندین معنی است و خواستید درصدد شناخت منشاء و مفهوم آن واژه برآیید و ببینید چگونه معانی جدیدی یافته، آن گاه است که باید به لغت نامه فارسی مراجعه کنید، زیرا در آنجا واژگان دخیل و ریشه آن را می توانید پیدا کنید.

بینات: به عنوان یک اسلام شناس، درباره آینده اسلام در غرب با توجه به اینکه اسلام، دین دوم اروپا است و طبق نشریه پطرس، هفته نامه مسیحیان، تنها در استکهلم بیش از ۴۰ مسجد و محل اجتماع مسلمانان وجود دارد، این در

حالی است که هر روز کلیساها خالی و مساجد پر می شوند، شما این امر را چگونه ارزیابی می کنید؟

پروفیسور یان یرپه: پاسخ آن تقریباً ساده است. ببینید امروز ما در یک وطن جهانی زندگی می کنیم و این بدین معنی است که هر فرهنگی به هر اندازه هم که منزوی نگه داشته شود، باز هم تاثیر خود را خواهد گذاشت و ما نمی توانیم آن را نادیده بگیریم. به همان طریقی که نمی توان پیشرفت صنعت و تکنولوژی را نادیده گرفت زیرا آثار آن، به عنوان مثال حتی در روستاهای دور افتاده پنجا ب نیز دیده می شود. به همین طریق نمی توان الگوی فکری که اسلام خلق کرده و منشاء آن قرآن است، نادیده گرفت، زیرا اسلام جزئی از این وطن جهانی است. بنابراین قرآن برای ساکنان اروپا نیز اهمیت فراوانی دارد و شناخت آن برای ما ضروری است، تحریر هزاران کتاب و مقاله درباره اسلام در غرب، نشانگر حضور فعال اسلام در این منطقه از جهان است و وجود رشته هایی چون اسلام شناسی در دانشگاه های غرب، دلیل دیگری بر این امر است. البته نخستین باری نیست که اسلام در اروپا حضور فعال دارد، الحمراء یادگار حضور مسلمانان قرون ماضی در اروپاست.

بینات: با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

پروفیسور یان یرپه: متشکرم.

1. Jan Hjarpe

۲. Lund، شهر دانشگاهی لوند واقع در جنوب سوئد و جمعیت آن حدود ۵۵ هزار نفر است.

۳. Uppsala، شهر دانشگاهی افسالا ۱۷۰ هزار جمعیت دارد.

۴. Umea، این شهر در شمال سوئد قرار دارد و ۵۱ هزار نفر جمعیت دارد.

۵. Abo، شهری در فنلاند است با ۱۶۰ هزار جمعیت.

6. Geo Widengren

۷. Trollhattan، در این شهر ۴۲ هزار نفر زندگی می کنند.